

اعلامیه مطبوعاتی

غیرت از آن سوی اقیانوس ها... پس غیرت ارتش کنانه کجاست؟!

(ترجمه)

در زمانی که جنایتها در غزه به اوج خود رسیده و زمین زیر پای مستضعفان شعله ور شده است، رسانه های امریکایی داستان جوان مسلمانی از سرزمین کنانه، مصر، به نام محمد صبری سلیمان را در صدر اخبار قرار دادند؛ جوانی که متهم شد به پرتاب کوکتل مولوتوف به سوی تظاهراتی در حمایت از رژیم یهود در آمریکا، در حالی که شعار «آزادی برای فلسطین» سر می داد. با اینکه رسانه ها روی روش او تمرکز دارند، اما نمی توان از جوهره این رویداد چشم پوشید: جوانی مسلمان، از آن سوی اقیانوس ها، با سوز دل و درد امت خود برخاسته تا به شیوه خود، اعتراضش را به سکوت جهانی و خذلان عربی نسبت به آنچه در غزه می گذرد، اعلام کند.

این حادثه، تنها یک حرکت فردی نیست، بلکه فریادی از غیرت است که حال و روز امتی را برملا می سازد که در میان ارتش ها و حاکمان خود، کسی را برای یاری مظلومان نمی یابد. آنچه این جوان انجام داد، خشم آزاد مردی مسلمان است که ایمان و شرافتش اجازه نمی دهد شاهد قتل عام امتش باشد و خاموش بماند.

در مقابل، چهره واقعی رژیم های عربی، به ویژه رژیم مصر، آشکار می شود که هم چنان در خذلان امت نقش ایفا می کنند؛ مشارکت در محاصره غزه با بستن گذرگاه ها، جلوگیری از ارسال کمک ها و حتی انتقال گاز به یهود و هماهنگی امنیتی و سیاسی با آنان. این خیانت، از سیاست فراتر رفته و به حوزه دین و رسانه نیز کشیده شده است؛ جایی که علمای درباری بسیج شده اند تا این سکوت را توجیه کنند و آگاهی مردم را تحریف نمایند، تا جایی که تلاش می کنند این نبرد را به مسئله ای صرفاً انسانی تقلیل دهند، بی آنکه ارتباطی با آزادی و جهاد داشته باشد!

اینجا پرسش اصلی مطرح می شود: ارتش مصر کجاست؟ کجایند آنان که از افتخارات اکبر می سرایند و به تاریخ قهرمانی هایشان می بالند؟ آیا در میان شان مردی عاقل نیست که کودکان و زنان سلاخی شده ی غزه را ببیند؟ آیا چشم ها بسته اند بر جنایات روزانه رژیم مجرم یهود؟ یا سیاست، احساس شان را کشته و آنان را به نگهبانان مرزهای استعماری بدل کرده نه مدافعان امت؟

رژیم مصر، پاسدار امنیت یهود است؛ از حمایت از مردم غزه جلوگیری می کند، گذرگاه ها را می بندد، جنگ روانی و سیاسی علیه مدافعان شان به راه می اندازد و مقاومت را به تروریسم متهم می سازد!

حتی علما، که باید وارثان انبیا باشند، میان ترس و طمع گم شده اند؛ برخی سکوت کرده اند و برخی دیگر به سلطان پناه برده اند، ذلت را با واقع گرایی توجیه می کنند و مردم را با فقه مصلحت و حکمت بی جان، به خواب می برند؛ غافل از اینکه جهاد واجب است و گفتن حق در برابر ظالم، فرضی بی تأخیر.

ای مردم کنانه، ای فرزندان صلاح الدین و قطز! آیا وقت آن نرسیده که این واقعیت خائنانه را رد کنید؟ آیا وقت آن نرسیده که بگویید بس است، دیگر اجازه نمی دهیم این رژیم به نام ما به فلسطین خیانت کند؟ آیا شرم آور نیست که تاریخ بنویسد مصر در کنار غزه بود، اما به یاری اش برنخاست؟

کار محمد صبری سلیمان نشان داد که هنوز در این امت، دل هایی بیدارند. اما خطر بزرگ آن است که غیرت امت فقط در افراد محدود شود، در حالی که ارتش ها خاموش و بی اراده باقی بمانند و همین، عمر اشغال را طولانی کرده و ذلت را بر امت پایدار می سازد.

ای افسران و سربازان ارتش کنانه! تصمیم واقعی در دست شماست؛ گذرگاه ها در اختیار شماست، مرزها زیر پای شماست، و ناله های غزه به گوشتان می رسد؛ پس با چه توجیهی سکوت می کنید؟ فریب دستورات سیاسی را نخورید، گول تبلیغات رسانه ها را نخورید؛ شما در برابر الله سبحانه و تعالی مسئولید، نه در برابر فرماندهان. آیا نمی ترسید که در روز قیامت، درباره خون کودکان، محاصره مادران، و مساجدی که در نزدیکی تان بمباران شدند، مورد بازخواست قرار گیرید؟

ما شما را به هرج و مرج یا شورش کور دعوت نمی کنیم؛ بلکه شما را به چیزی فرا می خوانیم که الله شما را بدان فرمان داده: یاور دینش باشید، در کنار امتتان بایستید، نه در برابرش؛ سلاح تان را برای یاری مظلوم به کار گیرید، نه برای حفاظت از خائنان! هم چون انصار در برابر پیامبر ﷺ بایستید، آنگاه که گفتند: «اگر ما

خلافت راشده بر منهج نبوت، راه حل ریشه‌ای است؛ تنها اوست که نیروهای امت را متحد می‌سازد، غیرتش را در مسیر آزادی بسیج می‌کند، قدرت اشغال‌گران را در هم می‌شکند، خیانت‌کاران را متوقف می‌سازد، و امت را به جایگاهش به‌عنوان بهترین امت بازمی‌گرداند.

پروردگارا! به راستی در میان ارتش سرزمین کنانه (مصر) مردانی مخلص وجود دارند؛ دل‌های شان را به حرکت آور، اراده‌های شان را آزاد و افتخار نصرت (حق) را برای شان رقم بزن و آنان را در زمره کسانی قرار بده که خدایان خاذلان، خیانت‌خائنان و یاری نکردن یاران سست، آسیبی به آنان نمی‌زند.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ [النساء: 75]

ترجمه: چرا باید در راه الله و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره‌ای نجنگید که (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستم‌کارند (و بر ما بیچارگان ستم روا می‌دارند) خارج ساز، و از جانب خود سرپرست و حمایت‌گری برای ما پدید آور، و از سوی خود یآوری برایمان قرار بده (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایة مصر